



طرح تدوین اجماعهای شیعه

احمد مبلغی

۱- شناختن اجماعهای مرکب

در طول قرن‌ها قاعده لطف مبنی حجیت اجماع شمرده می‌شد. این قاعده، نهال اجماع مرکب را در سرزمین فقاہت غرس کرد.^۱ دیری نپایید که این درخت، سایه بر سرنوشت بسیاری از موضوعات حسّاس انداخت. موضوعاتی از قبیل «نجاست اهل کتاب»^۲ و «تبعیت کردن فرزند کافر در عدم طهارت از او»^۳

شناختن اجماعهای مرکب، چگونگی شکل‌گیری آنها و تأثیر گذاریشان بر فتاوی فقیهان، امری ضروری است. انجام این مهم آیا راهی جز تتبع و غور در کتب پیشینیان دارد؟

۲- قرینه‌یابی

نباید با سطحی‌نگری اجماعی را قبول و یارَد کرد. باید به درون روایات و اقوال رفت و از میانشان قرینه‌ها را بیرون کشید و سپس اجماعی را درست و یا نادرست خواند. مقصود از این قرینه هر نکته‌ای است که اجماعی را تقویت و یا تضعیف کند.

برخی از فقیهان ژرف اندیش - که البته تعدادشان زیاد نیست - بسادگی سرنوشت موضوعی را با یک اجماع رقم نمی‌زنند و یا براحتی از اجماعی دست نمی‌کشند، مگر اینکه قبلاً در محکمه قرینه‌ها درست و یا نادرستی‌اش به اثبات رسیده باشد.

این طرح در واحد فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی «پژوهشگاه» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در حال انجام می‌باشد.

کسی که گام در راه استنباط می‌گذارد باید رهتوشه‌ای از اصول، رجال، درایه و ... داشته باشد و آنگاه در دیار فقاہت، از کوله بار معلومات بدرستی بهره‌گیرد تا در تطبیق به بیراهه نیفتد.

در عرصه فقاہت، گاهی تطبیق دانسته‌های کلی تنها به دقت نیازمند است و نه بیشتر؛ مانند فهمیدن بدوی و یا عدم بدوی بودن یک انصراف و یا فهمیدن اینکه شک در تکلیف است یا مکلف به؟ اما گاهی علاوه بر دقت، به تتبع و فحص نیز نیاز است؛ مانند فحص از منحصص در روایات، در صورتی که تمسک به عام را قبل از فحص جایز ندانیم.

تطبیق برخی از دانسته‌ها به تبعی بیشتر نیاز دارد؛ مثلاً فحص از مرجحات یکی از دو روایات متعارض که نوبت به تخییر نسبت به آنها رسیده است.^۱ شاید بتوان گفت هیچ مسأله اصولی در عرصه استنباط به اندازه اجماع به تتبع نیاز ندارد؛ آن هم تبعی پر دامنه که باید علاوه بر روایات، اقوال فقیهان در همه ادوار را نیز دربر گیرد.

ضرورت تتبع درباره اجماعها

موارد زیر نشان می‌دهد که چگونه باید درباره اجماعها دست به تبعی گسترده زد:

۱. فوائد الاصول ۴/ ۷۶۶.

۲. كشف القناع / ۱۴۶ و ۳۶.

۳. بحوث فی شرح العروة الوثقی ۳/ ۲۴۰.

۴. همان.

برای استفاده از قرینه و فعال کردن آن در فرایند پذیرش و یا ردّ اجماع، دو کار باید کرد:

الف. گشودن فصلی در اصول جهت بحث از قرینه.

انواع قراین، دسته بندیها و چگونگی استفاده از آنها موضوعاتی است که پرداختن به آنها در اصول، ضروری است. البته اکنون نیز از قرینه سخن به میان می رود، ولی سر بسته. همه این سخن را تکرار می کنند که برای اعتماد به اجماع منقول باید به سراغ قراین رفت،^۵ ولی کسی به شرح و بسط آن نمی پردازد! برخی از محققین، بویژه شهید صدر، گامی به جلو برداشته و پاره ای از قراین به صورت مشخص را ارائه داده اند.^۶ در ادامه بحث به نمونه هایی اشاره می شود.

ب. روی آوردن به تتبع در فقه جهت کشف قرینه ها.

هر چند بحثی از قرینه در اصول چندان به میان نبوده است، ولی در فقه برخی از فقیهان بوده اند که به قرینه هایی در تأیید و یا تخریب یک اجماع، تفتّن می یافته اند.

در اینجا به دو نمونه از قراینی که شهید صدر در اصول مطرح کرده اشاره می کنیم تا به دست آید چگونه قرینه ها تبعی ژرف می طلبند:

یکم. وجود قرینه بر ارتکازی نبودن مسأله نزد اصحاب.

شهید صدر، اجماع را کاشف از دلیلی غیر لفظی می داند.^۷ او این دلیل را ارتکاز متشرّعه به حساب می آورد.^۸

اگر این دیدگاه را بپذیریم، دیگر اجماع در صورت وجود قرینه ای که ذکر شد معتبر نیست؛ زیرا اعتبار اجماع مرهون جنبه کاشفیت داشتن آن از ارتکاز بر اساس حساب احتمالات است و با وجود چنین قرینه ای چگونه این جنبه تحقق می پذیرد؟^۹

شهید صدر بر همین اساس، اجماع بر نجاست کفّار را نقد می کند و می گوید به عصر راویان که برمی گردیم، در اذهان اینان ارتکازی به عنوان نجاست کفار نمی بینیم. او برای نفی این ارتکاز به سؤالاتی خاص اشاره می کند که در روایات دیده می شود. وی نتیجه می گیرد که اگر در ارتکاز آنان مسأله ای به عنوان نجاست کافر وجود می داشت، این سؤالات را مطرح نمی کردند.^{۱۰}

دوم. در میان بودن یک قاعده.

شهید صدر یکی از شرایط اعتبار اجماع را تطبیقی نبودن مسأله می داند.^{۱۱} مقصود وی این است که اجماع در مسأله ای که بر یک قاعده منطبق است اعتبار ندارد. زیرا ممکن است اجماع عشان از تطبیق قاعده سرچشمه گرفته باشد و نه از ارتکاز متشرّعه. پرواضح است با پذیرش این دیدگاه، تتبع در کتب فقیهانی که اجماع کرده اند ضروری می نماید. زیرا باید دید آیا

قاعده یاد شده نزد آنان مطرح بوده یا در بعد مطرح شده است؟

۳. تصحیح برداشتها

گاهی برداشت نادرست از دیدگاه پیشینیان، سرنوشت بسیاری از مسایل حسّاس را عوض می کند. فقیهی پس از سالها به میراث عالمان پیشین نظر می افکند، اما بدرستی به مقصود آنان پی نمی برد؛ چرا که زمان عوض شده و فرهنگها و نگاهها تغییر یافته اند. گاهی هم احتیاطهای فقیه، نگاههای او را به میراث پیشینیان تحت تأثیر قرار می دهد و بینشهای جدیدی برای او پدید می آورد.

بر این اساس مسائل و ابعاد اجماع از آفت برداشتهای نادرست زمان در امان نبوده است. برداشتهای نادرست در این زمینه دست کم در سه مورد، پدید آمده است.

۱-۳. قلمروشناسی مسائل اجماعی

در هر اجماعی بی گمان اجماع کنندگان، حدودی برای مسأله در نظر داشته اند. روشن است که تنها حدود مورد اتفاق آنها اعتبار دارد و بس، ولی شناخت حدود مورد اتفاق کار مشکلی است و در بسیاری از موارد قابل احراز نیست. به همین دلیل در این موارد اجماع را تنها در قدر متیقن آن حجت می دانند. البته اخذ به قدر متیقن در مورد دیگری نیز تعین می یابد و آن، هنگامی است که معقد اجماع، دارای اطلاق باشد که می گویند این اطلاق اعتبار ندارد. هر چند که بر حسب ظاهر حکم کنیم اجماع کنندگان، خود، این اطلاق را در نظر داشته اند^{۱۲} به هر حال مشکل این است که بسیار اتفاق افتاده نه تنها به قدر متیقن بسنده نکرده اند، بلکه دست به توسعه مرزهای مسأله نیز زده اند. اما چگونه این توسعه انجام گرفته، باید عمدتاً عامل آن را در گذشت زمان جست، به این صورت که فقیهی که عینک احتیاط را بر چشم زده، خودآگاه یا ناخودآگاه، مرزهای مسأله ای را که پیشینیان مورد اتفاق قرار داده اند، تغییر می دهد، مانند برخی از فقیهان که با استناد به اقوال پیشینیان، فتوا به نجاست کافر دادند و بر آن ادعای اجماع کردند، در حالی که بعضی از پیشینیان تنها گفته بودند سؤر کافر نجس است و میان این دو نجاست (یعنی نجاست کافر و نجاست سؤر او) طبق

۵. کفایة الاصول/ ۲۹۰.

۶. بحوث فی علم الاصول ۴/ ۳۱۶.

۷. مباحث الاصول ۲/ ۳۰۴.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. بحوث فی شرح العروة الوثقی ۳/ ۲۴۲.

۱۱. بحوث فی علم الاصول ۴/ ۳۱۶.

۱۲. مباحث الاصول ۲/ ۳۱۶.

برخی از شواهد و قراین، ملازمه ای نیست. ۱۳

بی توجهی به این عدم ملازمه در کنار گرایش به احتیاط در مسأله، فقیه را به نجاست کافر معتقد می سازد. اما این پایان کار نیست. آیندگان می آیند و به اقوال فقیه و یا فقیهانی که احتیاط کرده اند می نگرند و تحت تأثیر فتوای آنها قرار می گیرند و نقل اجماع آنها را بر مسأله، جدی می گیرند. و این چنین رفته رفته مرزهای واقعی مسأله جای خود را به مرزهای وهمی می دهد و احکام جدیدی پدید می آید برای حل این مشکل آیا راهی جز تتبع و تعمق در تاریخ مسأله اجماعی وجود دارد؟ ۱۴

۲-۳. علم پیدا کردن به حصول اتفاق

گاهی آنچه در ابتدا وجود داشته تنها رأی برخی از فقیهان بوده و نه بیشتر، اما در طبقه بعدی با ضمیمه کردن فتواهای جدید، ادعای شهرت نسبت به مسأله می شود سپس طبقه دیگری می آیند و این شهرت را عظیم توصیف می کنند و در طبقه سوم از آن با وصف «کادت آن تکون اجماعاً» یاد می کنند و اینچنین رفته رفته بعد از مدتی لباس اجماع را بر تن آن می پوشانند.

آیا این موضوع، هر چند آن را نسبت به اجماعی که مورد بحث قرار داده ایم احتمالی بیش ندانیم، تتبع در اقوال پیشینیان را بر ما ضروری نمی سازد؟

۴-۳. دلالت شناسی الفاظ نقل

گاهی با گذشت زمان، الفاظ هم تغییر می کنند و در نتیجه معانی آنها نزد پیشینیان غیر از معانی آنها نزد بعدیها می شود.

این مشکل در عرصه نقل اجماع بروز کرده است. الفاظی از قبیل «عدنان» نزد متأخرین دلالت بر نقل اجماع می کند. از این رو اگر آن لفظ را در کلام یکی از متقدمین ببینند، حمل بر نقل اجماع می کنند؛ در حالی که قرائن نشان می دهد این الفاظ این بار معنی را نزد متقدمین نداشته است. ۱۴

تبع در کتب متقدمین این مطلب را به اثبات می رساند. به عنوان مثال علامه بعد از آنکه مسأله ای را مذهب اکثر علمای امامیه معرفی می کند، در صفحه بعد با تعبیر «عند علمائنا» آن را مذهب علمای امامیه به حساب آورد. ۱۵

اگر این دیدگاه را بپذیریم نسبت به بسیاری از اجماعها باید تشکیک کرد و راه تحقیق تنها تتبع در اقوال پیشینیان است.

۴. شناختن اهل اتفاق

اتفاق چه کسانی اجماع است؟ عالمان در این زمینه اختلاف نظر دارند و در اینجا به چهار نظر اشاره می کنیم:

الف. برخی از علمای گذشته و تعدادی از علمای جدید، بویژه مرحوم آیت الله بروجردی، اتفاق فقیهانی را معتبر می دانند

که در اواخر غیبت صغری و اوایل غیبت کبری می زیستند. ۱۶

مرحوم بروجردی قید دیگری را اضافه می کند. به نظر ایشان تنها اتفاقی از اینان، اجماع تلقی می شود که در دایره کتب غیر تفریمی آنها (یعنی کتبی مثل مقنع، مقنعه، هدایه، نهایه و...) شکل گرفته باشد. ۱۷

ب. برخی بر آن بودند اگر شیخ انصاری و میرزای بزرگ و میرزا محمد تقی شیرازی بر حکمی اتفاق کنند، به درستی آن می توان یقین پیدا کرد. زیرا آنها در کمال ورع و دقت نظر قرار داشتند. ۱۸

ج. دیدگاه دیگری - که در گذشته رواج داشته - می گوید: اتفاق علمای هر عصری اجماع است. ۱۹ این دیدگاه را کسانی داشتند که حجیت اجماع را به استناد قاعده لطف ثابت می کردند.

د. گروهی معتقد بودند تنها اتفاق علمای همه عصرها اعتبار دارد. ۲۰

پرواضح است هریک از این دیدگاهها را که بپذیریم ما را به تتبع فرامی خواند، هر چند که هر کدام تبعی خاصی می طلبد.

۵. تعیین ناقل اجماع

برخی از دانشوران علم اصول بر این باورند که برای اعتماد کردن به اجماع منقول باید به ناقل آن نگاه کرد. ۲۱ اما در این زمینه که ناقل معتبر کیست، نظریاتی متفاوت عرضه شده است:

الف. محقق عراقی بر آن بود که ناقلی معتبر است که در دوره های نخستین پس از امامان (ع) می زیسته است. او بر این اساس، نقل کلینی صدوقین، شیخ مفید، سیدین و... را می پذیرد. ۲۲

ب. محقق نائینی و گروهی دیگر، نقل فقیهان دوره های نخستین را معتبر نمی شمارند. اینان از ناقلانی یاد می کنند که دوران حیاتشان با محقق حلّی آغاز شد. ۲۳ تتبع در نقطه نظرها و موضعگیریهای فقیهان گذشته نشان می دهد که آنان نیز این

۱۳. بحوث فی شرح العروة الوثقی ۳/ ۲۴۶-۲۴۵.

۱۴. کشف القناع / ۴۰۰.

۱۵. تذکره الفقهاء ۲/ ۱۳۷، ۱۳۸.

۱۶. معالم الاصول، کشف القناع / ۱۶۹، البدر الزاهر / ۹، بحوث فی علم الاصول / ۳۱۲/۴.

۱۷. البدر الزاهر / ۹.

۱۸. مصباح الاصول ۲/ ۱۴۰.

۱۹. همان.

۲۰. همان.

۲۱. کشف القناع / ۴۳.

۲۲. نهایه الافکار ۳/ ۹۷.

۲۳. فوائد الاصول ۳/ ۱۵۳.



دیدگاه را داشته اند. ۲۴

ناقلان این دوره را نیز نباید در یک سطح انگاشت، بلکه باید به مراتب هر یک در علم، آشنایی به کتب و اقوال، تتبع، دقت در نقل، قدرت حفظ و ضبط و قدرت دستیابی به رموز و دقایق نهفته در عبارات توجه کرد. از این روی برای محقق حلی و علامه و شهید اول و دوم حسابی ویژه باز شده و به صورت ویژه از آنها یاد شده است. ۲۵

چه دیدگاهی اول و چه دیدگاه دوم و یا هر دیدگاه دیگری را که بپذیریم، مجبوریم به تتبع دست بزنیم تا به دست آید ناقل کیست و در چه دوره ای می زیسته است.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم قبل از پذیرفتن هر اجماع باید تتبعی ژرف و جامع الاطراف پیرامون آن انجام گیرد. فقیهی که بر فراز قله آگاهی از پیشینه های مسائل اجماعی ایستاده و به نظاره این مسائل می پردازد، چهره آنها را مبهم و غبار آلوده نمی بیند تا به احتیاط پناه آورد.

شاید بتوان گفت کمتر مسأله ای که به اندازه اجماع، احتیاطهای غیر لازم را برانگیخته است. توانمندترین نظریه پردازان اصول در زمینه اجماع، نسبت به موارد آن در فقه به احتیاط روی آورده اند. ۲۶ دلیل بسیاری از این احتیاطها وجود ابهام در وضعیت اجماعهاست.

فقیه هر چند با مصرف کردن مسکن احتیاط، «درد تشویش افتای برخلاف» را از خویش دور می سازد، اما با این کار، بیکره فقه را با عوارض جانبی مواجه می کند؛ عوارضی که گاهی آنچنان فقه را بیمار می کند که از فعالیت طبیعی خود، یعنی پاسخگویی به نیازهای واقعی، دور می ماند. دروغا که عالمان با همه ضرورت تتبع در این زمینه دل به دریای بحث و تتبع نمی سپارند و هنگام برخورد با یک اجماع در فقه، پرونده اش را هنوز باز نکرده، می بندند!

البته نباید نادیده گرفت که فقیهان بسیاری هم هستند که بی تتبع از کنار اجماعها نمی گذرند، ولی اولاً شمار اینان در مقابل دیگران زیاد نیست. در میان متأخرین، محقق کاظمی، صاحب کتاب کشف القناع عن وجوه حجیة الاجماع، از درخشش خاصی در این زمینه برخوردار است. او را بحق باید پهلوان میدان بحث از اجماع، چه فقهی و چه اصولی، به شمار آورد.

ثانیاً فقیهانی که در این زمینه تتبع داشته اند، نوعاً از جنبه هایی خاص و بر اساس قالبهایی که از پیش برگرفته اند دست به تتبع زده اند. مثلاً شیخ انصاری از جنبه هایی خاص نسبت به یک اجماع، حساسیت نشان می دهد و پیرامون آن به تبعی مناسب با این

حساسیت دست زده است. برای فهم و اذعان به این مطلب کافی است موارد برخورد او با اجماعها را در کتاب مکاسب در نظر بگیریم. در این تتبعها، خبری از بسیاری از محورهایی که از آنها قبلاً یاد کردیم نیست! و یا مثلاً مرحوم آیت الله بروجردی بر اساس نظرگاه خاصی به تتبع دست می زده است. در اینجا تذکر این نکته خالی از فایده نیست که شایسته است شیوه ها و ملاکهای مختلف علما در تتبع نسبت به اجماعها گردآوری و مورد بررسی قرار گیرد.

طرح تدوین دایرةالمعارف اجماع

۱. ضرورت: با پذیرش ضرورت تتبع پیرامون هر اجماع، باید اذعان کرد. تتبع ژرف و جامع الاطراف در این زمینه کار چندان سهلی نیست؛ چرا که نوعاً اطلاعات مربوط به آنها در کتب مختلفی پراکنده است. فقیه گاهی برای رسیدن به این اطلاعات باید ورق به ورق انبوه کتابهای مورد نیاز را بررسی کند. از این روی تدوین اجماعهای شیعه و اطلاعات مربوط با توجه به این نکته مهمترین استفاده ای که از دایرةالمعارف اجماع می توان برد در میدان استنباط به ظهور می رسد. مستنبط به هنگام برخورد با یک اجماع می تواند با مراجعه به آن، اطلاعات مربوطه را به دست آورد و استنباط کند.

از دایرةالمعارف اجماع استفاده های دیگری نیز می توان برد؛ از قبیل شناختن: اقوال شاذ، فتاوی مشهور، سیر فتوی در یک مسأله، قاعده های فقهی مورد اتفاق، موارد اجماع مرکب، موارد نقل اجماع توسط شیخ طوسی یا سید مرتضی و ...، موارد ضرورتهای مذهب و موارد دیگر. بسیاری از این موارد در قالب فهرستهایی در آخر دایرةالمعارف عرضه می گردد.

۲. زبان دایرةالمعارف: زبان دایرةالمعارف عربی است. زیرا نقش اساسی این دایرةالمعارف در زمینه های فقهی، بویژه استنباط احکام، است و زبان تخصصی فقه و استنباط، عربی است.

۳. نام: نام این دایرةالمعارف «موسوعة الاجماع للامامية» است.

۴. شکل و ترتیب ارائه اجماعها: اجماعها بر حسب ترتیب سنتی ابواب و مسائل فقهی ارائه می گردد. یعنی با اجماعهای باب طهارت آغاز و با اجماعهای دیات پایان می پذیرد و در هر بابی نیز تقدم و تأخر مسائل آن باب، رعایت می شود.

۵. شکل و ترتیب ارائه اطلاعات مربوطه: هر مسأله اجماعی، بالای صفحه و اطلاعات مربوطه، زیر آن ارائه می شود. این

۲۴. کشف القناع / ۴۳.

۲۵. همان.

۲۶. مصباح الاصول ۲ / ۱۴۳.

قبلی (فتوا دهندگان) به دست می آید که مثلاً نقل اجماع، قبل و یا بعد از رواج یافتن فتوا بوده است که پیداست هریک از دو صورت، نتیجه ای متفاوت از دیگری در بردارد.

د. الفاظی که در نقل مورد استفاده قرار گرفته است: توجه به الفاظ نقل برای ارزیابی نقل، امری ضروری است.

ه. نقد اجماع: مهمترین قسمت بحث، اطلاعاتی است که به عنوان نقد اجماع ارائه می گردد. مطالب این قسمت در دو بخش کلی جای می گیرند که عبارت است از نقد حصول اجماع و نقد اعتبار آن. و. مسأله در اصول متلقات:

از آنجا که مبنی قرار دادن نظریه آیت الله بروجردی، ضرورت دقت در اصول متلقات را در پی دارد و آنچه در قسمت نقد تحت عنوان عدم طرح در اصول متلقات یا در تعدادی از آنها در نظر گرفته ایم در برخی از موارد کافی نیست و یا ارائه آن به صورت یاد شده با مشکل مواجه است، قسمتی تحت عنوان اصول متلقات ارائه می گردد. در این قسمت نام کتبی که به نحوی به مسأله پرداخته اند با ذکر شماره جلد و صفحه ذکر می گردد تا فقیه با مراجعه به آن نتیجه لازم را بگیرد.

۷. پیشرفت کار: تا به حال حدود ششصد اجماع استخراج شده و چهارصد مورد آن، مراحل نهایی خود را پشت سر می گذارد و آماده تایپ و چاپ است.

۸. قبل از ارائه نمونه، این نکته گفتنی است که در هر اجماعی همه محورهای یاد شده پیرامون آن طرح نمی شود، بلکه تنها محورهایی که مطالب آن در کتب فقیهان استخراج شده است، می آید.

اطلاعات تحت محورهای زیر جای می گیرد.
الف. معقد اجماع: در این زمینه اطلاعاتی ارائه می گردد که یکی از چهار وضعیت زیر را داراست.
- توضیح معقد اجماع.

- توسعه دایره مسأله: برخی از کلمات علما ناظر به اختلافی است که پیرامون معقد اجماع وجود دارد و مفاد آن توسعه دایره آن است. این کلمات در این قسمت می آید.
- تضییق دایره مسأله: مفاد برخی از کلمات، تضییق دایره مسأله است که در اینجا ذکر می گردد.

- ارائه قدر متیقن و حکم به اخذ آن: برخی از کلمات، ناظر به ارائه قدر متیقن از اجماع است و لزوم تمسک به آن را مورد اشاره قرار می دهد که در این قسمت می آید.

ب. فتوا دهندگان: در این قسمت، اسامی کسانی که به حکم مورد اجماع فتوا داده اند بر حسب ترتیب قرونی که در آن می زیسته اند، اشاره می گردد.

برای بررسی سیر فتوا در مسأله و زمان پیدایش آن، توجه به این قسمت، در کنار قسمتهای دیگر، ضروری است.

گفتنی است در این قسمت فتاوی متاخرین - جز برخی از آنها مثل شیخ انصاری - مورد اشاره قرار نمی گیرد؛ زیرا توجه به آنها در ارزیابی روند شکل گیری اجماع تأثیری ندارد.

ج. ناقلان اجماع: در این قسمت، ناقلان اجماع، بر حسب ترتیب قرون آنها مورد اشاره قرار می گیرد.
در برخی از موارد، با مطالعه و مقایسه این قسمت با قسمت



نمونه:

مِیَاهُ الْآبَارِ تَتَجَسَّسُ بِكُلِّ مَا يَمِيقُ فِيهَا مِنَ النَّجَاسَاتِ

۱. توضیح معقد اجماع:

البشر يتجسس بكل ما يقع فيها من النجاسات ۱
فَلَّ الْمَاءُ أَوْ كَثُرَ ۲

۲. المفتون:

- الصدوق في الفقيه والامالی ۴

- المفید فی المقنعة ۵

- السيد المرتضى فی الانتصار ۶

- ابویعلی ۷

- ابو الصلاح علی ۸

- ابو عبدالله محمد ۹

- الطوسی فی التهذیب والاستبصار والاقتصاد ۱۰

- القاضی فی المهدب ۱۱

- ابن حمزه فی الوسيله ۱۲

- ابن زهرة فی الغنیه ۱۳

- ابن ادریس فی السرائر ۱۴

- المحقق فی مصریاته ۱۵

- الیوسفی فی کشف الرموز ۱۶

- العلامة فی التلخیص ۱۷

- ابو العباس فی المهدب البارع ۱۸

٣. الناقلون :

- الصدوق في الامالي^{١٩}
- السيد في الانتصار^{٢٠}
- الطوسي في التهذيب والاستبصار وظاهر الاقتصاد^{٢١}
- ابن زهرة في الغنية^{٢٢}
- ابن ادريس في السرائر^{٢٣}
- المحقق في مصرياته^{٢٤}
- اليوسفي في كشف الرموز^{٢٥}

٤. تماييزهم في النقل :

- انه من دين الامامية^{٢٦}
- عليه فتوى الفقهاء من زمن النبي (ص) إلى يومنا هذا^{٢٧}
- عليه عمل الامامية في سائر الاعصار والامصار^{٢٨}

٥. النقد :

١. حول حصول الاجماع :

هذا الاجماع موهون بمخالفة كثير من القدماء والذين كانوا من اهل التحقيق والتدقيق^{٢٩} كالعلامة في جميع كتبه عدا التلخيص وابن فهد في الموجز والفخر في الايضاح فقد ذهبوا إلى ان البشر لا ينجس بملاقة النجاسة وقد حكى انه مذهب العماني والغضائري وابن الجهم كما انه احد قولى الطوسي في التهذيب حسب ما نقل عنه^{٣٠} وهناك قول اخر ذهب اليه البصروي من القدماء وهو التفصيل بين الكر وغيره بعدم الانفعال في الاول والانفعال في الثاني^{٣١}

هذا بالاضافة إلى ان جملة من كلمات المتقدمين لم يُصرَّح فيها بالأمر بالنزح^{٣٢} ومعلوم ان هذا اعم من المدعى ولعله لذلك ناقش العلامة - على ما يبدو منه في المنتهى - نسبة القول بالنجاسة إلى الاكثر^{٣٣} وهذه النسبة قد صرح بها كثير من المتأخرين^{٣٤}

٢. حول اعتبار الاجماع :

أ. ان اجماعاتهم المنقولة والشهرة المحققة يعارضها ما هو اقوى منها في افادة الوثوق وهي الشهرة بين المتأخرين ونقل اجماعهم عليه لان اعراضهم عن طريقة القدماء وهدمهم ما اسسوه مع شدة اهتمامهم في تصحيح مطالب السابقين كاشف عن ان بنيانهم ليس على اصل اصيل^{٣٥}

ب. الاجماع المنقولة في المقام يضعف الظن بها لقوة الاخبار عليها من وجوه^{٣٦}

ج. الاجماع في المقام لا يكفي لاثبات الحكم بالانفعال لاحتمال استناده إلى نفس ما بايدنا اليوم من الروايات^{٣٧} خصوصاً بعد الاطلاع على فساد المستند^{٣٨}

٦. المسألة في الاصول المتلقاة

- الفقه الرضوي الصفحة ٩١
- الهداية للصدوق الصفحة ١٤
- المقنع للصدوق الصفحة ١٠
- المقنعة للمفيد الصفحة ١٤
- الكافي للحلي الصفحة ١٣٠
- النهاية للطوسي الصفحة ٦
- المهذب لابن البراج المجلد الاول الصفحة ٢١
- اشارة السبق للحلي الصفحة ١٢٠
- الوسيلة لابن حمزة الصفحة ٧٠٤
- الغنية لابن زهرة الصفحة ٤٨٩
- السرائر لابن ادريس المجلد الاول الصفحة ٦٩
- المراسم لسار الصفحة ٥٦٦

المصادر:

۱. ابن زهرة، الغنية (الجوامع الفقهية)، ۴۸۹.
۲. الحلبي، اشارة السبق، ۱۲۰.
۳. ابن حمزه، الوسيه، ۷۰۴.
۴. مفتاح الكرامة ۱/۷۸.
۵. المفيد، المقنعة، ۶۴.
۶. السيد المرتضى، الانتصار، ۸۹.
۷. مفتاح الكرامة ۱/۷۸.
۸. المصدر نفسه.
۹. المصدر نفسه.
۱۰. التهذيب ۱/۲۴۰، مفتاح الكرامة ۱/۷۹، الطهارة للهمداني ۱/۳۲.
۱۱. القاضي، المهذب ۱/۲۱.
۱۲. الوسيه.
۱۳. ابن زهرة، الغنية / ۴۸۹.
۱۴. ابن ادريس، السرائر / ۶۹.
۱۵. مفتاح الكرامة ۱/۷۹.
۱۶. المصدر نفسه.
۱۷. المصدر نفسه.
۱۸. المصدر نفسه.
۱۹. المصدر نفسه.
۲۰. السيد المرتضى، الانتصار، ۸۹.
۲۱. التهذيب ۱/۲۴۰.
۲۲. الغنية / ۴۸۹.
۲۳. السرائر / ۶۹.
۲۴. مفتاح الكرامة ۱/۷۹.
۲۵. المصدر نفسه.
۲۶. مفتاح الكرامة ۱/۷۸ نقلًا عن الامالي.
۲۷. المصدر نفسه نقلًا عن كشف الرموز.
۲۸. المصدر نفسه نقلًا عن غاية المراد.
۲۹. جواهر الكلام ۱/۲۰۱، الطهارة للشيخ الانصاري / ۲۷.
۳۰. مفتاح الكرامة ۱/۷۸، الحدائق الناضرة ۱/۳۵.
۳۱. الحدائق الناظرة ۱/۳۵، الطهارة للهمداني / ۳۵.
۳۲. بحوث في شرح العروة الوثقى للشهيد الصدر ۲/۶۹.
۳۳. جواهر الكلام ۱/۲۰۱.
۳۴. الطهارة للهمداني / ۳۵، المستمسك ۱/۱۹۳، التنقيح / ۲۸۴، بحوث في شرح العروة ۲/۶۹.
۳۵. الطهارة للطهراني ۱/۳۵.
۳۶. جواهر الكلام.
۳۷. بحوث في شرح العروة الوثقى ۲/۶۹، التنقيح / ۲۸۴.
۳۸. الطهارة للشيخ الانصاري ۲۷، الطهارة للهمداني / ۳۵، جامع المدارك ۱/۱۰.